

بررسی پوشاک مردان دوره قاجار با توجه به نقاشی های محمد غفاری کاشانی (کمال الملک)

سید ماهسون سجادی

مدرس گروه طراحی لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

msajjadib@yahoo.com

هدیه ترابی

دانشجوی کارشناسی، گروه طراحی لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

چکیده

تاریخچه پوشاک در تمام ادوار از اهمیت والایی برخوردار بوده است چرا که بخشی از تاریخ فرهنگ و تمدن انسان را نشان داده و به نوعی پوشش افراد عقاید فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی آنان را بازگو می کند. به این سبب مطالعه و بررسی پوشاک هر دوره برای شناخت و درک بهتر از آن دوره از اهمیت زیادی برخوردار است. تصاویر و نقاشی های به جا مانده از افراد در هر دوره به وضوح پوشش اشخاص در آن زمان را نشان می دهد، بنابراین با بررسی نقاشی ها می توان کم و بیش اطلاعاتی درباره البسه افراد در طول تاریخ به دست آورد. در دوران قاجار، یکی از امور مهم در بین اقدار جامعه، نوع پوشش و متعلقات آن بود، به گونه ای که کلاه، قبا، جوراب، شال، عبا و عمامه از عناصر مهم پوشاک مردان آن دوره به حساب می آمد و استفاده از آن ها جزء لزومات برایشان محسوب می شد. نقش مد و مدپرستی در زمان حکومت ناصرالدین شاه به واسطه سفرهای اروپایی وی بیشتر شد. کمال الملک، نقاش مشهور کاشانی، در مدت حضورش در دربار ناصرالدین شاه حدود 170 تابلو کشید که بخش زیادی از این تعداد را پرتره افراد مختلف دربار از جمله شاهنشاه تا پیشخدمت را شامل می شود. در نقاشی های وی، پوشش مردان و ویژگی های ظاهریشان از جمله اهمیت کلاه برای تمامی افراد، به خوبی نمایان است. هدف این مقاله بررسی پوشاک مردان قاجاری با توجه به نقاشی های کمال الملک، برای شناخت بهتر پوشاک آن دوران است. این پژوهش از آن لحاظ که به شناخت و توصیف بیشتر پوشش مردان در دوران قاجار می پردازد، مورد اهمیت واقع شده است. شیوه ی پژوهش در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات، از بررسی آثار موزه ای و منابع کتابخانه ایی چون سفرنامه های مربوط به آن دوره می باشد.

کلید واژه: پوشاک مردان، کمال الملک، لباس، قاجار، نقاشی

پیشینه تحقیق

در تحقیقات انجام شده درباره پوشاک مردان در دوره قاجار از منابعی چون آثار کمال الملک در کاخ موزه ی گلستان و موزه مجلس شورای اسلامی، سفرنامه های چاپ شده افراد، مقالات و کتاب های معتبر استفاده شده است.

دکتر مهتاب مبینی و اعظم اسدی در کتاب " سیری در مُد و لباس دوره قاجار " با استناد به آثار به جا مانده از این دوره و سفرنامه های معتبر به شرح لباس مردم قاجار در دوره های مختلف پرداخته است. همچنین دیگر نویسندگانی چون جلیل ضیاءپور، ناصر نجمی، عبدالله مستوفی در کتب خود به تشریح لباس مردمان قاجار می پردازند. از دیگر مطالب مربوط می توان به سفرنامه دکتر ویلز و سفرنامه پولاک اشاره کرد.

مقدمه

در تاریخ همه ی سلسله ها و حکومت های جهان، پوشش افراد همواره مورد اهمیت بوده و هر دوره ویژگی های مختص خود را شامل می شده تا جایی که بعضا افراد یک قوم یا ملت با پوشش خاص خود شناخته می شدند. تاریخ پوشاک ایران نیز از این مسئله مستثنا نبوده و پوشاک افراد در هر دوره حکومتی دستخوش تغییرات فراوانی می شد. در دوران قاجار این تغییرات و تحول در پوشش مردان بیشتر به چشم خورد و به سبب سفر هایی که ناصرالدین شاه به اروپا داشت، پوشاک مردان نیز تا حدی تحت تاثیر اروپاییان قرار گرفت و در اواخر دوره قاجار این تغییرات بیشتر به چشم خورد. محمد غفاری ملقب به استاد کمال الملک کاشانی از نقاشان برجسته دوران قاجار بود که تصاویر متعددی از شاهنشاهی، درباریان و مردم عادی را نقاشی کرد. با بررسی نقاشی های این هنرمند قاجاری می توان تا حدود زیادی به پوشش مردان آن دوره پی برد و سیر تحول پوشاک آن دوره را مشاهده کرد. این پژوهش به سبب شناخت بیشتر تاریخچه پوشاک مردان در دوره قاجار و بهره گیری از اطلاعات گذشته در مد و پوشاک ایران در آینده، مورد اهمیت واقع شده است. هدف کلی این مقاله پاسخ به پرسش (پوشاک مردان قاجاری با توجه به آثار کمال الملک چگونه بوده و چه تحولاتی داشته است؟) می باشد. در این پژوهش با توجه به منابع کتابخانه ای- میدانی که مورد استفاده واقع شده، به بررسی آثار استاد کمال الملک و نوع پوشش مردان در این نقاشی ها می پردازیم.

قاجاریه

قاجاریان دودمانی ترک تبار بودند که به مدت حدود صد و سی سال بر ایران حکومت کردند. بنیانگذار این سلسله آغامحمد خان قاجار در سال 1210/1796 بود. او 18 سال بر ایران حکم فرمایی کرد و پس از آن به ترتیب فتحعلی شاه، محمدشاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و سرانجام احمدشاه به حکومت رسیدند. طولانی ترین حکومت پادشاهان قاجاری مربوط به ناصرالدین شاه است که حدود 50 سال حکومت کرد.

دوران پادشاهی حاکمان قاجار به دو دوره تقسیم می شود: دوره ی اول به دوره حکومت آغا محمدخان، فتحعلی شاه و محمد شاه تا زمان پادشاهی ناصرالدین شاه مربوط می شود(از سال 1175 تا 1227 ه ش). در اوایل حکومت قاجار چون گذار از حکومت صفوی به قاجار شکل گرفته بود در زمان آغا محمد خان همچنان ویژگی هایی پوشاک صفوی و آن تجملات و پارچه های مجلل و

پر زرق و برق به چشم می خورد. در زمان فتحعلی قاجار، مردان ثروتمند قاجاری پیراهن و قبا های بسیار مجلل و از جنس ترمه می پوشیدند اما با گذشت زمان و تغییراتی که در لباس ها به وجود آمد، در دوران محمد شاه از تجملات لباس ها کاسته شد و مردم عموماً لباس های ارزان و ساده به تن می کردند. در این دوره بیشتر لباس اشراف و درباریان با مردم عادی تفاوت چشمگیری نداشت. دوره ی دوم، حکومت ناصرالدین شاه تا حکمرانی محمد شاه و برپایی قاجاریان را شامل می شود (زرین کوب، 1384، 805-866). در این دوره پای فرهنگ غربی در ایران باز شد و به سبب سفرهایی که ناصر الدین شاه به اروپا داشت و تاجرانی که از اروپا به ایران سفر می کردند، تغییراتی در پوشاک رخ داد که این تغییرات در اواخر حکومت قاجاریان و آغاز حکومت پهلوی ملموس تر است.

در طول 50 سال حکومت ناصرالدین شاه، پوشاک و متعلقات آن از امور بسیار مهم در بین افراد جامعه بود و کلاه، قبا، عبا و عمامه، شال و جوراب جز ملزومات پوشش مردان حساب میشد. در این دوره کفش های اروپایی تدریجاً شروع به رواج کرد. کت فراک رایج شد ولیکن سبک چسبان اروپایی آن به مذاق ایرانی ها خوش نیامد. شلوار های گشاد در اواخر این دوره به تقلید اروپایی رو به تنگ شدن رفت. ناصرالدین شاه در آن زمان به طور نیم ایرانی و نیم اروپایی لباس می پوشید و در نقاشی های کشیده شده از وی، لباس های او گاهی به اروپاییان شباهت دارد. این پوشش های فاخر ناصرالدین شاه در پرتره هایی که کمال الملک از او کشیده، نمایان است.

معرفی استاد کمال الملک

محمد غفاری ملقب به کمال الملک یکی از مشاهیر تاریخ هنر معاصر در سال 1224 در خانواده ای هنرمند در شهر کاشان چشم به جهان گشود. پدر وی، میرزا بزرگ و عموی او ابوالحسن غفاری ملقب به صنیع الملک از نقاشان به نام زمان خود بودند. میرزا بزرگ به فرزندان خود نقاشی را آموخت. اشتیاق محمد به نقاشی سبب شد تا والدینش او را تشویق به ادامه این کار کنند. او پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی با بردار بزرگترش به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل در رشته نقاشی پرداخت. پس از سه سال، هنگامی که ناصرالدین شاه از مدرسه دارالفنون بازدید می کرد، توجهش به نقاشی از چهره اعتضاد السلطنه، رئیس دارالفنون که توسط محمد غفاری کشیده شده بود، جلب شد و به این ترتیب او را در دربار استخدام کرد و به او لقب خان را داد. پس از مدتی، وی لقب پیشخدمت مخصوص را دریافت کرد و پس از اینکه ناصرالدین شاه تحت تاثیر او قرار گرفت، به شاگردی محمد درآمد و به او ابتدا لقب نقاش باشی و سپس کمال الملک را داد. کمال الملک در مدت حضورش در دربار، 170 تابلو کشید که معروف ترین تابلوی آن، نقاشی تالار آینه است. از آثار دیگر وی می توان اشاره کرد به:

1. باغ شاه از نقاشی های کمال الملک

2. نقاشی میدان کربلا

3. زرگر بغدادی از نقاشی های کمال الملک

4. خودنگاره کمال الملک

5. خیابان دوشان تپه

6. فالگیر بغدادی از نقاشی های کمال الملک

7. شکارگاه از نقاشی های کمال الملک

8. آبشار دو قلو از نقاشی های کمال الملک و...

کمال الملک پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و در آستانه حکومت مظفرالدین شاه، برای ادامه تحصیل و مطالعه زبان فرانسه و نقاشی به اروپا رفت و بیش از سه سال در رم، فلورانس و پاریس به مطالعه آثار هنرمندان پرداخت. همین سفر او به اروپا سبب شد تا در تفکرات و نگرش او تغییراتی به وجود بیاید و سبک های اروپایی به سبک او وارد شود. او به خواست مظفرالدین شاه در سال 1279 ه ش به ایران بازگشت اما چون با مظفرالدین شاه سازش نکردند، وی به عراق رفت و چند سال در آنجا به زندگی پرداخت. سرانجام این استاد بزرگ درس 93 سالگی در روز یکشنبه 27 مرداد سال 1319 ه.ش بر اثر کهولت سن درگذشت. (سایت بیتوته، بی تا)

برخورد جامعه ایرانی با اندیشه های اروپایی در آن دوران حاصل نقاشی های کمال الملک و نگرش نوگرایانه ی وی و همچنین سفر شاهان قاجار به اروپاست. این معاشرت تاثیر به سزایی در فرهنگ مردم ایران داشت و طبعاً پوشش مردم هم بی تاثیر از آن نماند.

لباس مردان قاجار

در دوره قاجار، پوشش مردان از اهمیت خاصی برخوردار بود. این اهمیت در دوران حکومت ناصرالدین شاه بیشتر خود را نشان داد. در این دوره مردان به ظاهر خود توجه خاصی داشتند و برخی از پوشش ها از اعیان گرفته تا مردم عادی و متوسط، مشترک بود. در آثار و نقاشی های کمال الملک که پادشاه و درباریان و دیگر اشخاص را به تصویر کشیده این اشتراک قابل درک است، برای مثال همه کلاه به سر دارند و یا نوع پوشش مردم عادی کم و بیش به هم شباهت دارد. در آن دوره پوشاک مردان شامل سه بخش میشد: **سرپوش ها** که کلاه، عمامه و شال بودند، **تن پوش ها** که پیراهن، کت، سرداری، ارخالق، عبا، قبا و ردا بودند، و **پا پوش ها** که شلوار و شال کمر، جوراب و کفش ها را شامل می شدند.

کلاه

در دوران قاجار، برخلاف امروز کلاه از اجزای اصلی پوشش مردان به شمار می رفت و مردم برای آن حساسیت به خرج می دادند، به طوری که هیچکس از بر سر گذاشتن کلاه امتناع نمی کرد، مردان در آن دوره «سر» را عضو مهم بدن و سلطان تن می دانستند و معتقد بودند که این عضو با ارزش باید پوشیده شود و فقط دیوانه ها چیزی بر سر نمی گذاشتند. تا قبل از اسلام مردان ایرانی کلاه به سر می گذاشتند اما شکل کلاه پس از اسلام به عمامه تغییر کرد و در دوره صفویه عمامه بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در دوره افشاریه و زندیه پوشش سر همچنان وجود داشت با این فرق که عمامه جای خود را به عرقچین و شال ترمه ای که به دور آن پیچیده می شد، داد. در دوره قاجار شال و کلاه جزو لباس مردان ایرانی درآمد و با گذشت زمان شال حذف شد و تنها کلاه در پوشش قاجاری باقی ماند. مردم با توجه به جایگاه اقتصادی که داشتند کلاه های متنوعی بر سر می گذاشتند. کلاه ها ارتفاعی تا

سی و پنج سانتی متری داشتند و برای اعیان و ثروتمندان از جنس بهترین پوست بخارا بودند و همچنین برای مردمی که درآمد خوبی داشتند، این کلاه ها از پوست بره های محلی به خصوص بره های قم و شیراز تهیه می شدند. از آنجا که کلاه های پوستی زود خراب می شدند و در طی یک سال برای خرید سه تا چهار کلاه پوست بخارا باید مبالغ هنگفتی برای خارج از کشور هزینه می شد، ناصرالدین شاه دستور کوتاه کردن کلاه ها را داد و در روزنامه های رسمی مقرراتی را برای این کار درج کردند و دستور داده شد تا پاسبان ها در معابر، بلندی کلاه های مردم را ببرند اما پس از مدتی شاه فرمان خود را به سبب قدرت مد پرستی افراد و مقاومت صدراعظم و وزرا لغو کرد، چرا که اکثر مردم راضی به کوتاه شدن کلاه هایشان نبودند و حاضر بودند اموالشان مصادره شود اما کلاه هایشان کوتاه نشود (پولاک، 1368، 104).

کلاه های نمدی از دیگر سرپوش های معمول مردان قاجاری بود که قیمت ارزانی داشت و نوع مرغوب آن از پشم شتر تهیه می شد. کلاه نمدی، استوانه ای نیم گرد از جنس پوست با کلگی پارچه ای و یا از جنس پشم بود. این کلاه نسبت به دیگر کلاه ها در بین مردم رایج تر بود. در آن زمان اگر کسی توان خریدن کلاه را نداشت، سرخود را با دستمال یا شال می پوشاند و به سر نگذاشتن کلاه را یک نوع بی حرمتی و توهین می دانست. به گونه ای که یکی از سوگند های رایج آن زمان، سوگند به کلاه بود که می گفتند به کلاه مردانه ام قسم و یا اینکه می گفتند اگر فلان و بهمان کار را نکنم کلاهم را از سرم بر می دارم و لچک زن ها را به سر می گذارم (نجمی، 1363). در کل کلاه از اهمیت خاصی برخوردار بود و در اکثر نقاشی های کمال الملک نیز، از شاه گرفته تا رعیت کلاه بر سر دارند. بسته به موقعیت اجتماعی افراد، نوع کلاه های نقاشی شده توسط استاد غفاری متفاوت است. کلاه شاه و اعیان در نقاشی ها معمولاً دارای تزئیناتی هستند اما کلاه مردم عادی، ساده است. (تصاویر 1 و 2).



تصویر 1- اثر کمال الملک، هشت پرتره از ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در سنین مختلف، که کلاه به سر دارند- منبع: موزه کاخ گلستان



تصویر 2- اثر کمال الملک، علی آقا پیشخدمت، که کلاه به سر دارد- منبع: موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی

آرایش مردان

مردان قاجاری موهای خود را تا سن مشخصی بلند نگه می داشتند. آن ها از سن حدوداً چهل سالگی به بعد، موهای خود را تراشیده و سر را با عمامه و کلاه می پوشاندند(تصویر 3). جوانان موهای خود را از روی گوش تا شانه می آراستند و این موها تا رسیدن به سن چهل تا پنجاه بر سر آنان می ماند. مردان میانسال قاجار بیشتر از مو به ریش و سبیل خود که زینت صورت آن ها در زمان بود، اهمیت می دادند.

در دوره زندیه و افشاریه ، پادشاهان ایرانی ریش داشته اند، اما در دوره قاجار سبیل بیشتر مورد اهمیت واقع شد و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، افراد سبیل هایی با اشکالی مختلف داشتند. نوع رایجی از این سبیل ها، سبیل چخامقی بود که در نقاشی های کمال الملک به وضوح دیده می شود(تصویر 4). در این مدل، سبیل پر پشتی، روی لب ها را کاملاً پوشانده و انتهای طولانی سبیل از دو طرف رو به بالا می رود. در نقاشی ها، شخصی بدون ریش یا سبیل دیده نمی شود و از طرفی هم چون اکثر افرادی که تصاویرشان کشیده شده، میانسال و یا پیر هستند، مدل موی بلندی ندارند.



تصویر 3- اثر کمال الملک، پرتره مشهدی ناصر، ۱۳۰۳ هـ.ش، سر تراشیده، منبع: موزه ی ملی ملک



تصویر 4- اثر کمال الملک، پرتره ناصرالدین شاه، ۱۸۷۰ م، با سیل چخماقی، منبع: ویکی پدیا

سرداری

سرداری کلیجه کوتاهی از سوغات های سفر ناصرالدین شاه به اروپا بود که بعد از این مسافرت، در میان مردان رواج یافت. درواقع، کلیجه نیم تنه ای بندی بود که دامنش تا روی پا را می گرفت و در قسمت کمر هم کم و بیش چسبان بود اما سرداری کوتاه تر از کلیجه بود. سرداری را معمولا بدون کمر بند می پوشیدند. این لباس در قسمت کمرش برشی داشت که پایین تنه لباس را به بالاتنه آن متصل می کرد و جلوی آن با دکمه های سرتاسری بسته می شد. در پرتره هایی که کمال الملک از قبله عالم (تصاویر 5 و 6) و فرزندش مظفرالدین شاه (تصویر 7) به تصویر کشیده، ایشان سرداری بر برتن داشته اند که با دکمه های طلایی بسته شده و بعضا به آن تزئیناتی آویخته شده است.



تصویر 5- اثر کمال الملک، پرتره ی ناصرالدین شاه قاجار، ۱۸۸۹م. با سرداری، سبیل چخماقی، شلوار گشاد و کلاه مزین شده به طرح شیر و خورشید، منبع: ویکی پدیا



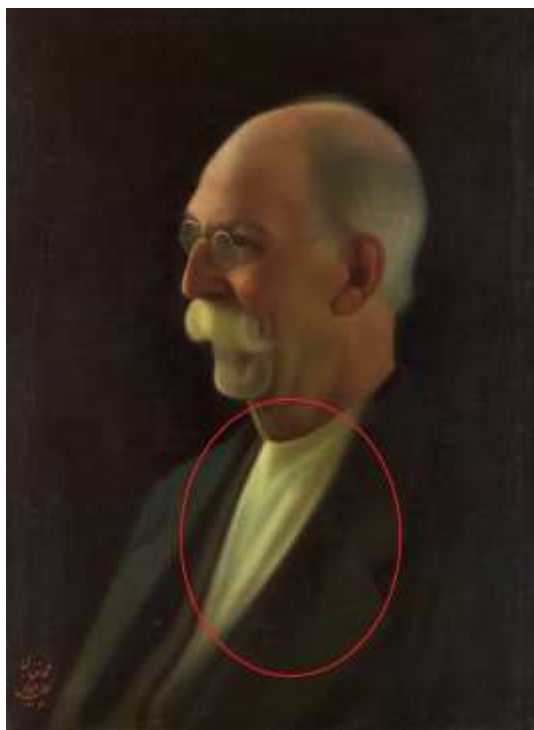
تصویر 6- اثر کمال الملک، ناصرالدین شاه، ۱۳۰۳ هـ.ق، با سرداری، سبیل چخماقی و کلاه، منبع: کاخ موزه صاحبقرانیه



تصویر 7- اثر کمال الملک، مظفرالدین شاه، ۱۳۱۹ هـ.ش، با سرداری، کلاه و سبیل چخماقی، منبع: ویکی پدیا

پیراهن

در آن زمان لباس معمول مردان پیراهن کرباس سفید بود که جنس زبر و خشنی داشت. کرباس پارچه ای با دوام با بافتی ساده است که امروزه از آن برا مدیوم نقاشی استفاده می کنند. در آن دوره، افراد متمکن پیراهن هایی از جنس ابریشم سفید به تن می کردند و گویا ثروتمندان پیراهن سفید خود را نمی شستند و به محض اینکه یک بار پیراهن را پوشیدند آن را به خدمه خود داده و پیراهن نو دیگری می خریدند(پولاک، 1368، 106). روستایان و اقشار کاسب در آن زمان با مراجعه به رنگرزی، معمولاً پیراهن خود را رنگ آبی یا سورمه ای می کردند اما طبقه اعیان و خدمه آن پیراهن سفید را ترجیح می دادند. پیراهن مردان دو دکمه در جلو و یا بر روی شانه چپ داشت و معمولاً یقه هایش بسته بود و دور گردن قرار می گرفت(ویلز، 1368، 359). این پیراهن ها آستین بلندی داشتند و سر آستین گشاد بود. در خود نگاره های کمال الملک، وی زیر کت های خود این پیراهن بدون یقه را به تن دارد(تصویر 8). در دیگر نقاشی های او نیز افراد معمولاً در زیر لباس هایی رویی خود این پیراهن های سفید را پوشیده اند(تصویر 9).



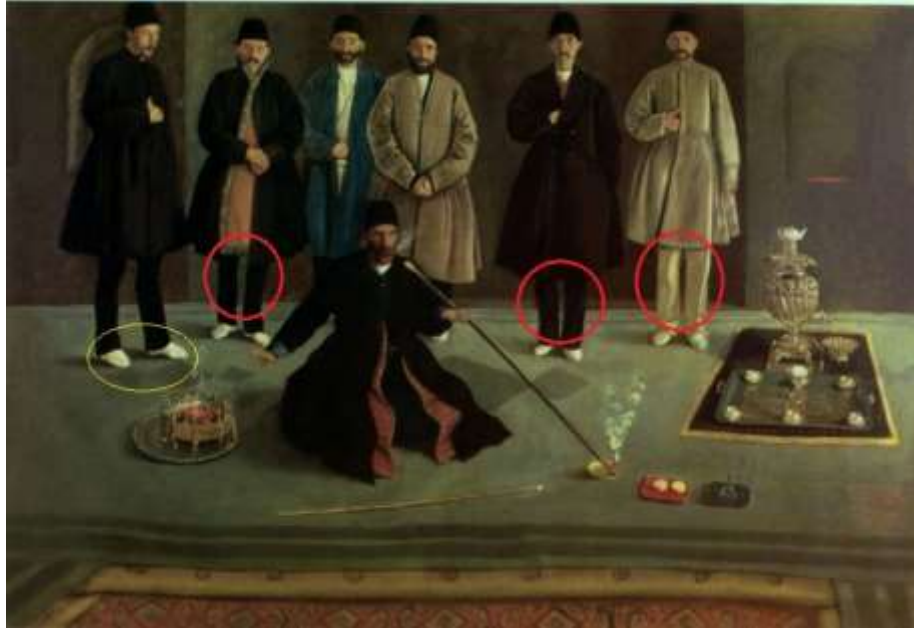
تصویر 8- اثر کمال الملک، چهره نقاش در پیری، ۱۳۴۰ هـ.ق، پیراهن سفید یقه بسته و سبیل چخماقی، منبع: موزه ی مجلس شورای اسلامی



تصویر 9- اثر کمال الملک، پرتره ی غلامحسین خازن الممالک، ۱۲۹۸ هـ.ق، پیراهن سفید و کلاه، منبع: موزه کاخ گلستان؛

شلوار

شلوار مردان قاجاری از جنس پارچه های ابریشمی و نخی بود و معمولاً شلوار روستاییان در رنگ های آبی، سرمه ای، ارغوانی و شلوار مردان شهری به طور معمول به رنگ سفید بود که گاهی طرحی راه راه داشت (تصویر 5 و 10). شلوار در آن دوره راحت و گشاد بود و کلیه ی شلوار های گشاد مردان دارای بند شلواری از جنس ابریشم یا پنبه ای بود، البته بجز عده کمی از افراد درباری یا نظامیان که شلوارهای چسبان طرح اروپایی را ترجیح می دادند (ویلز، 1368، 359). در نقاشی های کمال الملک، بیشتر بالا تنه افراد کشیده شده اما در معدود نقاشی هایی که افراد کاملاً به تصویر کشیده شده اند، این گشادی و راحتی شلوارها به وضوح پیداست.



تصویر 10- اثر کمال الملک، محمد ابراهیم سرایداریاشی و سرایدارها، شلوار های گشاد، گیوه و پیراهن سفید منبع: موزه کاخ گلستان

کفش

کفش مردان در دوره قاجار آزاد و گشاد بود تا به راحتی بتوانند از پا خارج شود. کفش های این دوره با توجه به توان مالی افراد معمولاً، گیوه، چاروق و نعلین بود. گیوه نوعی پاپوش با دوام از جنس نخ قالی و یا ابریشم و کف آن هم از پارچه، چرم یا لاستیک بود و از پوشش های مردان عادی در دوره قاجار محسوب می شد (تصویر 10). نعلین هم کفش مخصوص روحانیون با پاشنه های چوبی بود. در این دوره کفش هایی از جنس چرم ساغری ملقب به کفش های ساغری در ایران متداول بود اما به سبب سفرهای اروپایی ناصرالدین شاه کفش های پادشاهان و اطرافیان دچار تغییر شد و کفش های دستک دار جای کفش های ساغری را در بین اعیان زاده ها گرفت (تصویر 5). کفش های دستک دار روی پا و ساق را می پوشانند و چون هنوز عمومیت نداشتند پوشیدن این کفش های راحت که حافظ پا در مقابل سرما بودند در بین مردم جلف به نظر می آمد (مستوفی، 1360، 261) در چند نقاشی کمال الملک که کفش افراد مشخص است، مردم عادی گیوه پوشیده اند و کفش دستک دار را در پرتره شاه می توان مشاهده کرد.

جوراب

در این دوره افراد معمولاً جوراب های ساق کوتاه به پا می کردند. این جوراب های کوتاه فقط تا قوزک پا را می پوشانند و با ظرافت بسیار شبیه به شال بافته می شدند (پولاک، 1368، 109). در دوره قاجار جوراب های بافت اصفهان محبوبیت زیادی داشتند و از جنس قالی هایی بودند که می بافتند (تصویر 11). مردان ثروتمند، به پوشیدن جوراب های ساقه بلند علاقه داشتند و روستاییان به جز در مراسم هایی چون ایام عید و عروسی جوراب به پا نمی کردند (ویلز، 1368، 364).



تصویر 11- اثر کمال الملک، عمله طرب، مرد نشسته در سمت راست تصویر که جوراب بافت پوشیده، افراد با پیراهن کرباس سفید، ردا، قبا و شال کمر، منبع: موزه کاخ گلستان

شال کمر

شال کمر، کمر بند پارچه ای بود که معمولاً جنسی از چلوار سفید داشت و اکثر افراد چون بازاری ها، روحانیون، کسبه، پیر مردان و کارکنان قدیمی دولت و دیگر مردان به دور کمر خود می بستند (تصویر 11). در بین این شال اغلب، افراد وسایل مورد نیاز خود را قرار می دادند و به نوعی از آن به عنوان جیب استفاده می کردند مثلاً فراشان حکومتی خنجر، تاجر و دانشمندان کاغذ های خود و دیگر مردم وسایلی چون دستمال را در لابه لای آن قرار می دادند (ویلز، 1368، 361). (تصویر 12)



تصویر 12- اثر کمال الملک، میرزا هادی خوشنویس، ۱۲۸۵ هـ.ق، با شال کمر و کلاه، منبع: موزه ی مجلس شورای اسلامی

ارخالق

ارخالق لباسی کاملاً چسبان و بدون یقه بود که معمولاً از پارچه چیت دوخته می شد. این لباس روی پیراهن پوشیده می شد. آستین های تنگ آن تا بالای آرنج می رسید و گاهی طول این آستین ها تا به مچ هم می رسید و سر آستین های آن نیز دارای دکمه های فلزی کوچکی بود. اندازه ارخالق ها بستگی به قشر طبقاتی افراد داشت. ارخالق نظامی ها، مستخدمین دربار، آبدارچی ها و نوکرها معمولاً کوتاهتر از بقیه بود و حداکثر تا بالای زانو می رسید اما اشخاص متشخص چون طبیب ها، روحانیون، کسبه، تاجاران و حتی روستائیان ارخالق های بلندتری به تن می کردند (ویلز، 1389، 359). روی ارخالق طرح هایی از گل و بوته هم می دوختند که به آن قلمکار میگویند و بهترین ارخالق ها از بنارس می آمدند و مختصری هم در اصفهان، بروجرد و شیراز تهیه می شدند. (پولاک، 1368، 107) (تصویر 13). در نقاشی های کمال الملک، ارخالق را تن افراد متمول می توان دید.



تصویر 13- اثر کمال الملک، وجیه‌الله میرزا، با لباس تشریفات یا نوعی اراخالق به تن و سبیل چخماقی و کلاه با طرح شیر و خورشید، منبع: موزه نسخ خطی و آثار فرهنگی، هنری دکتر محمد صادق محفوظی

عبا و عمامه

عبا روپوش بلند جلو بازو گشادی از جنس پشم یا نخ است که در دو طرف آن سوراخی برای اینکه افراد دست های خود را از آن بیرون می آورند، دارد (تصویر 14). این روپوش معمولاً مخصوص مسافران، روحانیون یا سوارکاران بود اما بیش از همه روپوش دائمی روحانی ها محسوب می شد و آن را بر روی دوش خود می انداختند (تصویر 15). بعضی از عباها حاشیه ای طلایی داشتند که این نوع از عباها از طرف دربار و بزرگان یا از طرف پدر عروس به دامادها هدیه می شد (ویلز، 1368، 361). بهترین عبا های آن دوران در کربلا، نائین، کرمان و کاشان بافته می شدند.

عمامه سرپند پارچه ای با طول چند متر بوده که معمولاً روحانیون آن را بر سر می گذاشتند. رنگ عمامه ها برای سید ها یا نوادگان پیامبر (ص) به رنگ سبز یا سیاه بود. (تصویر 15)



تصویر 14- اثر کمال الملک، عضد الملک، ۱۳۲۸ هـ.ق، با کلاه و عبا و قبا، منبع: موزه ی مجلس شورای اسلامی



تصویر 15- اثر کمال الملک، پرتو سید نصرالله تقوی، ۱۲۸۹ هـ.ش، با عبا و قبا و عمامه ی سیاه، منبع: حرفه هنرمند

قبا و ردا

قبا نوعی تن پوش مردانه بود که روی ارخالق، پیراهن و شلوار مردانه پوشیده می شد و همیشه معمولا رنگ یک دستی داشت. قبا تا روی زانو می رسید، دامن آن بسیار گشاد بود به طوری که در جلو روی هم می افتاد و روی آن معمولا ردا یا عبا می پوشیدند (تصویر 11).

ردا لباسی مانند عبا مخصوص مردان بود و قسمت بالای بدن را می پوشاند (تصویر 11 و 16). در بیشتر نقاشی های کمال الملک، مردم قاجاری ردا و مخصوصا قبا به تن دارند که این نشان از معمول بودن این لباس ها در پوشش افراد دارد.



تصویر 16- اثر کمال الملک، عمو صادق با کهنه‌فروشی‌های یهودی، ۱۳۰۸ ه‍.ق، ردا و قبا به تن، با کلاه و گیوه و جوراب بافت، منبع: موزه کاخ گلستان

نتیجه گیری

پوشش برای مردان قاجاری حائز اهمیت بود و اگرچه به اندازه ی دوران صفویه باشکوه و مجلل نبود اما برای آن ها به اندازه اموالشان قابل اهمیت بود. در این دوره به سبب تغییراتی که به وجود آمد، راه برای پوشاک به سبک اروپایی باز شد و لباس هایی که به تقلید از اروپاییان دوخته و پوشیده شد در دوره بعد یعنی پهلوی خود را نمایان کرد. پوشاک مردان قاجاری شخصیت آنان را نشان می داد. در نقاشی های کمال الملک، توجه ای که آنان به پوششان داشتند، به خوبی مشخص است. مردان در این دوره به کلاه خود بسیار اهمیت داده و در پوشش از ارخالق، سرداری، قبا و ردا و... استفاده می کردند. تغییرات لباس در این دوره به طور محسوسی به چشم می خورد و در اواخر دوره حکومتی به سبب فرهنگ غربی ای که وارد کشور شده بود، این تغییرات بیش از پیش خود را نشان داد.

تاریخ همواره پر از فراز و نشیب های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده و به طبع، این اتفاقات همه جنبه های جامعه خصوصا فرهنگ و پوشاک آن جامعه را تحت تاثیر قرار م داده است. تغییراتی که در دوره قاجار به وجود آمد، پیش زمینه ای برای تغییرات بزرگ تر در دوره های بعد را ایجاد کرد. لباس مردان از اواخر این حکومت، دستخوش تغییرات اساسی شد و این سیر تحول با توجه

به نقاشی های کمال الملک تا پایان این حکومت حفظ شد. با توجه به بررسی های انجام شده، می توان نتیجه گرفت که پوشش برای مردان قاجاری، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و همین توجه راه را برای پیشرفت پوشاک مردان از آن دوره به بعد بیشتر باز کرد. این پژوهش می تواند زمینه ای برای بررسی سیر تحول پوشاک مردانه از دوره قاجار به بعد با توجه به نقاشی ها و آثار به جا مانده، باشد.

منابع

- پاکباز، رویین، (1378)، دائرةالمعارف هنر، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- پولاک، یاکوب ادوارد، (1368)، ایران و ایرانیان، ترجمه رحیم رضا ملک زاده، تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین، (1382)، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، چاپ نهم، تهران، سخن.
- شریعت پناهی، سید حشام الدین، (1372)، اروپایی ها و لباس ایرانیان، تهران، قومس.
- شهری، جعفر، (1367)، تاریخ اجتماعی ایران در قرم سیزدهم، تهران، رسا.
- ضیایور، جلیل، (1394)، پوشاک ایرانیان از 14 قرن پیش تا آغاز دوره شاهنشاهی پهلوی.
- کرزن، جرج، (1377)، ایران و قضیه ایران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مبینی، مهتاب و اسدی، اعظم، (1399)، سیری در مُد و لباس دوره قاجار، تهران، انتشارات مرکب سفید.
- مستوفی، عبدالله، (1360)، شرح زندگانی من، تهران، زوار.
- نجمی، ناصر، (1363)، ایران قدیم و تهران قدیم، تهران، جانزاده.
- ویلز، (1368)، ایران در یک قرن پیش. ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال.

منابع تصاویر

کاخ موزه صاحبقرانیه

موزه کاخ گلستان

موزه مجلس شورای اسلامی

موزه نسخ خطی و آثار فرهنگی، هنری دکتر محمدصادق محفوظی

موسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی

<https://www.beytoote.com/scientific/scientist/biography-> بیتوته، بی تا، زندگینامه محمد غفاری،

[mohammad-ghafari-kamalolmolk.html](https://www.beytoote.com/scientific/scientist/biography-mohammad-ghafari-kamalolmolk.html)